یک شاخه گُل

محمد تانوردی‌پور
آموزگار علی‌اصغر لری گوییینی، سیرجان

بسمه تعالی

سلام ای روح پاک و آسمانی، ای فریاد رسای «الله اکبر»، ای طنین زیبای حقیقت،

سلام ای دانش‌آموز شهید، علی‌اصغر لری‌گوییینی، شهادتت مبارک!

کاش می‌شد در پی پرواز تو، نوشیدن کوثر شهادتت را نظاره می‌کردم. کاش می‌شد در ماورای زمان فهمید که بر دامان کدامین نور خدا سر نهادی و به آسمان اوج گرفتی! مرا به مسیر عاشقانه و سلوک عارفانه‌ات دریاب. دستم را بگیر و در این وانفسای هوس تنهایم مگذار.

علی‌اصغرجان، وقتی وارد کلاس درس می‌شوم و چشمم به صندلی خالی‌ات می‌افتد، چیزی به جز یک شاخه گل لاله نمی‌بینم. خیلی دلم برایت تنگ شده است. غمگینم از اینکه در جمع ما نیستی و به جمع شهدای حرم پیوستی. به خون تو و رفقای دانش‌آموز شهیدت افتخار می‌کنم. چون شهادت افتخار ماست. بی‌شک خون تو باعث پاسداشت حریم اسلام و دفاع از سرزمین عزیزمان و برقراری امنیت در کشور عزیزمان خواهد شد.

نامه‌ای از طرف معلمت، محمد تانوردی‌پور